

خودکشی و خود سوزی راه علاج نیست

بجای قربانی کردن خود، رژیم جنایتکاران را

بزیر بکشید



اسد نودینیان

اخبار تکان دهنده خودسوزی و اقدام به خودکشی در میان زنان یکی از خبرهای هر روزه صفحه حوادث برخی از روزنامه های ایران است. در تاریخ ۲۸ اردیبهشت زنی ۱۱ ساله اهل مریوان اقدام به خودکشی کرد ۲۰ روز قبل از این واقعه دختر عمویش نیز اقدام به خودکشی میکند هردوی این دختران جوان در اثر سوختگی جان خود را از دست میدهند.

جامعه به عمر خود پایان میدهند. آمارها نشانگر افزایش روزافزون این خودسوزیها هستند. طبق خبر در يك هفته ۶ مورد خودسوزی فقط در بیمارستان وحید سنندج مشاهده گردیده است، این خودسوزیها عمدتاً در میان دختران و زنان کم سن و سال که معمولاً ازدواج کرده اند اتفاق میافتد، طبق همین خبر که در مطلبی در سایت اینترنتی روشنگری **صفحه ۳**

خودسوزی زنان یکی از متداولترین خشونتها علیه زنان است که تحت سلطه حکومت باندهای راهزنان نظام اسلامی روزانه اتفاق میافتند، که گوشه کوچکی از این فاجعه انسانی از صفحه حوادث روزنامه ها منعکس می شود. قربانیان سلطه مشتکی تیره کار اسلامی در معصومیت و فشار ناشی از استیصال چون انسانهای گم نامی در

پلنوم پنجم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست برگزار میشود

صفحه ۳

از میان اطلاعاتی های کمیته کردستان حزب

صفحه ۳ و ۴



مصاحبه ایسکرا با مظفر محمدی

در رابطه با وضعیت
زندگی و جایگاه مبارزه
جوانان علیه جمهوری
اسلامی

است. در تمام حیات ننگین این رژیم مردم و بخصوص جوانان دو نوع زندگی داشته اند. یکی در خیابانها و مجامع و مدارس که ممنوعیتهای وحشیانه ای به آنها تحمیل شده، در پوشش آزاد نبوده اند، رابطه پسر و دختر آزاد نبوده و شادی و موسیقی و رقص و هر نشانه ای از مدرنیسم ممنوع بوده است و.... این یک روی زندگی جوانان بوده است. روی دیگر این زندگی در **صفحه ۲**

ایسکرا: اخیراً شما گفته‌اید که در شهر سنندج درگیری جوانان با نیروهای رژیم تقریباً هر روزه است، این درگیریها سرچيست، جوانان چه میخواهند؟
مظفر محمدی: اعتراض جوانان به دخالت مذهب و پلیس اش در زندگی شان به اندازه طول عمر رژیم



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم جنبش
باز گرداندن اختیار
به انسان است.

منصور حکمت

طفل فلج سناریوی سیاه سزارین شد!

در باره دولت انتقالی در عراق

گرفت. مراسم رسمیت دادن به دولت غازی یاور و علاوی در عراق و کنفرانس ناتو در ترکیه، رابطه این دو واقعه بی شباهت به رابطه طفل سزارین شده با قابله نیست. سر انجام دولت محصول ساخت و پخت دول غربی بطرز مرموزی بدینا آمد. امروز افکار عمومی جهان ناگهان متوجه شد که طی مراسمی تشریفاتی، دولت جدید التاسیس عراق، دو روز قبل از موعد مقرر بقول بوش "زمان امور عراق را" بدست گرفت. **صفحه ۴**



عبدالله شریفی

امروز دوشنبه ۲۸ ژوئن، دو اتفاق جدا از هم، در دو جغرافیای متفاوت که به هم پیوستگی يك پدیده را بیان میکنند، در صدر اخبار جهان قرار



سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

فاکس: 00448701687574

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

منازل و جشنها و محافل خانوادگی و... است که جوانان به نوع دیگری زندگی کرده اند. در این نوع زندگی خارج از حضور چهره کریمه اسلام سیاسی، پسر و دختر با هم دوستند، دست در دست هم اند، با هم میخوانند، میرقصند پارتی ترتیب میدهند، شادی میکنند، و هر لباسی دوست دارند میپوشند. اما فراتر از اینها، در سالهای اخیر این نمونه های زندگی آزاد و شاد به خیابانها کشیده شده و به اعتراض علیه رژیم تبدیل شده است. جوانان از زیر زمینها و کوچه پس کوچه ها و پارتیهایشان به خیابانها و میادین و چهار راهها آمده اند و پاتوقهای دسته جمعی و علنی گوناگونی دارند. این علت اصلی درگیری رژیم با جوانان است. جوانان گروه گروه و دسته دسته در چهارراهها، میادین، پارکها، تفریحگاهها و محللهای کوهنوردی جمع میشوند. پسر و دختر با هم میگویند و میخندند و لباس شاد میپوشند و موزیک غربی گوش میدهند، و این برای رژیم خوشایند نیست. این علیه اسلام و مذهب و قوانینش است. و به همین دلیل است که رژیم عکس العمل نشان میدهد و ماموران و مزدورانش را میفرستد تا در زندگی جوانان دخالت کنند و پراکنده شان کنند. اول درگیرها لفظی است و سپس جوانان و مردم بیشتری جمع میشوند و همانطور که در هفته های اخیر در سندج اتفاق افتاد ماموران رژیم را کتک میزنند و فراری میدهند. اینکه جوانان چه میکنند، روشن است. جوانان زندگی آزاد، مرفه و شاد میخواهند. به قول دوستان ما جوانان، خواهان یک دنیای بهترند. خواهان آزادی روابط دختر و پسرانند. میخواهند دست مذهب از زندگیشان کوتاه شود. میخواهند به میل خودشان لباس بپوشند و آمد و رفت کنند. جوانان طرفدار فرهنگ و مدرنیسم غربی اند. مخالف ارتجاع، مذهب و قومپرستی (چه ایرانی، چه کردی و غیره) اند. دریچه ای که جوانان از آن دنیا را نگاه میکنند مدرنیسم و تمدن و پیشرفت غربی است، نه حوزه علمیه، نه مساجد، نه شریعت و اسلام و فرهنگ قرون وسطای

اسلامی....

ایسکرا: آیا مبارزه جوانان گشایشی در زندگی و روابطشان با هم بوجود آورده است؟

مظفر محمدی: قطعاً مبارزه و مخالفت جوانان با اخلاقیات و فرهنگ ارتجاعی اسلامی، و برای آزادی نتیجه داشته و تغییرات جدی بوجود آورده است. جنبش رادیکال دانشجویی، اعتراض روزمره جوانان در بستر جنبش کارگران، مبارزه زنان و اعتراضات توده ای، که دیگر ابعاد وسیع و هر روزه ای بخود گرفته است، جمهوری اسلامی را به عقب نشینی جدی مجبور کرده است.

وجهی از پیدایش دوحرداد پاسخ به این اعتراضات و مبارزات و عقب نشینیهای رژیم بود. یک عده آمدند و گفتند دیگر با سرکوب نمیشود جواب زنان و جوانان و کارگران را داد. اگر فشار ادامه داشته باشد مرگ رژیم سریعتر است. باید زمان این سقوط را به عقب انداخت، باید عقب نشینی کرد....

بعضی های گفتند عقب نشینی رژیم محصول دوحرداد است. اما برعکس، خود ۲ خرداد محصول فشار مبارزات اجتماعی و جنبشهای جوانان و کارگران و زنان بود و نقش ضربه گیر برای رژیم داشت که مترصد خریدن زمان برای بقای رژیم بود.

بگذریم، اکنون حجاب برای دختران یک چیز مسخره است و از آن چیزی در آمده که هیچ شباهتی به چادر و مقنعه و مانتوهای سیاه و گل و گشاد اسلامی سابق ندارد. پسران و دختران با هم روابط آزاد و دوستانه دارند، آنها در دانشگاهها، تفریحگاهها، در گروههای هنری و ورزشی و کوهنوردی و در خیابانها در کنار هم قرار دارند.

این چهره جدید زندگی جوانان است که در پوشش، روابط پسر و دختر، نوع موزیکی که گوش میکنند، حتی تفکری که دارند و رادیکال است و با ناسیونالیسم ایرانی و کردی و... خوانایی ندارد. و گفتم که الگوی زندگیشان تمدن غربی است. این تغییراتی است که صد در صد با سیاست و فرهنگ و اخلاقیاتی که جمهوری اسلامی بر مبنای آن پا گرفت و حالا هم آن را

دنبال میکند متناقض و در تضاد است.

ایسکرا: نقطه قدرت جوانان کجاست؟ آیا مدارس و دانشگاهها که محل تمرکز جوانان است آنجایی است که جوانان در آن نیرومند و متمرکز اند و میتوانند کاری کنند؟ یا مکان و راههای دیگری هست که جوانان بتوانند از آن استفاده کنند و آزادیهای بدست آورند؟

مظفر محمدی: سوال خوبی است. وقتی صحبت از مبارزه جوانان، خواستها و آرزوهایشان و با گرایشات و تمایلات سیاسی شان میشود سرها به طرف دانشگاهها میچرخد و البته این واقعی است. جنبش دانشجویی در سالهای اخیر همیشه در صحنه بوده و علیرغم حمله وحشیانه رژیم در ۱۸ تیر ۷۸ به کوی دانشگاه و دیگر محدودیتهای و فشارهای پلیسی رژیم، ما شاهد ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر سال گذشته بودیم. این نشان میدهد که دانشگاهها و جنبش دانشجویی یک صف و سنگر محکم جوانان برای دفاع از آزادی و علیه استبداد و دخالت مذهب در زندگی مردم بوده اند. ما شعار آزادی و برابری را در تظاهرات دانشگاه تهران دیدیم. این سنگر مهمی است، باید حفظش کرد، گسترشش داد و سراسری اش کرد.

دانشگاه کردستان در سندج، سال گذشته علیرغم محاصره دانشگاه و حکومت نظامی اعلام نشده در سطح شهر، در محیط دانشگاه و در اجتماعات خود قطعنامه در دفاع از آزادی و خواست آزادی زندانی سیاسی صادر کرد.

مدارس و بخصوص دبیرستانها هم محل اجتماع وسیع جوانان است. در جریان اعتصابات معلمان ما شاهد حمایت دانش آموزان از معلمان بودیم.

اما یک عرصه و مکان و سنگر مهم دیگر وجود دارد که همه جوانان را در بر میگیرد، و آن محلات شهرهاست. در محلات جوانان دانشجو، دانش آموز و جوانان بیکار و غیره زندگی میکنند. جوانانی که با هم همکلامی، همسایه یا در گروههای هنری، فرهنگی، ورزشی و کوهنوردی گرد هم میایند و یا در پاتوقهایشان در محله دور هم جمع میشوند. محله طیف وسیع جوانان را در بر میگیرد که تعدادشان به

هزاران نفر میرسد. این جوانان میتوانند با حضور فعال و میلیتانت خود محله شان را به تدریج از دخالت و کنترل نیروهای رژیم در آورند.

جوانان میتوانند محله و محلات آزاد داشته باشند. محله ای که در آن جوانان دور از دخالت پلیس و گشت مأموران رژیم، راحتتر زندگی میکنند، روابط و مرادده آزاد دارند و نفس راحتی میکشند. محله ای که حجاب برای دختران بی معنی است. آره، میشود چنین محله یا محلاتی داشت. جایی که مأموران رژیم نتوانند به آسانی وارد آن شوند و به گشت زنی و مزاحمت پردازند، و در زندگی جوانان دخالت کنند. محله ای که بخصوص شبها تماما در کنترل جوانهاست.

بنظر من محله یک مکان و موقعیت خوب و سنگر محکمی است که جوانان میتوانند در آن جمع شوند و محله شان را به نوعی به کنترل خود در آورند. در چنین محله ای رژیم نمیتواند کسی را دستگیر کند و در این محلات پدر و مادرها و بزرگترها حامی فرزندان شان خواهند بود.

ایسکرا: برگردیم به مساله روابط پسر و دختر. جوانان چه پسر و چه دختر میگویند علاوه بر قانون و مقررات رژیم و ماموران اسلامی و غیره فرهنگ موجود در خانواده ها و جامعه هم یک مشکل و معضل آنهاست و در واقع بارشان را سنگینتر کرده است، و این فشار مضاعف باعث یأس و ناامیدی جوانان و روی آوردن آنها به اعتیاد و حتی خودکشی میشود. در این مورد چه میگوید؟

مظفر محمدی: بله، متأسفانه این به درجاتی درست است و در شهرها و محلات مختلف شدت و ضعف دارد. علاوه بر فشار سیاسی و مذهبی رژیم و تبعیض جنسی و جدا کردن دختر و پسر در مدارس و غیره، که تلفات و قربانیان زیادی داشته است از جمله اعتیاد وسیع، خودکشی و خودسوزی، از طرفی و دستگیری و زندانی کردن جوانان و حتی اعدام و کشتار وحشیانه مانند حمله به کوی دانشگاه و از این قبیل، فشار اخلاقی و فرهنگی در خانواده و در جامعه در واقع بار و فشار دیگری بر دوش جوانان است. جدا کردن دختر و پسر در مدارس

ممنوع کردن رابطه آزاد آنها با هم و ممنوع کردن رابطه آزاد جنسی، جوانان را در شرایط بسیار سخت و غیر قابل تحمل اخلاقی و محرومیت از طبیعی ترین نیازهای زندگی شان قرار داده است. کمترین نتیجه این شرایط یک جامعه مریض بلحاظ روحی است که عواقبش و قربانیانش را هر روزه میبینیم.

در جامعه ای که رابطه جنسی تابو است، دختر باید باکره باشد تا پایش به خانه شوهر میرسد، حتی اگر ۳۰ و ۴۰ ساله هم بشود، و در شرایطی که رابطه جنسی ممنوع است حتی اگر پسر و دختر هیچوقت نتوانند ازدواج کنند و یک رژیم هار با در اختیار گرفتن تمام دارایی کشور و ارتش و پلیس و حزب الله و امر به معروف و آخوند و مسجد و آیت الله هایش پشت این اخلاقیات و فرهنگ منحن ایستاده است، خود خانواده و جامعه هم با سنتهای عقب مانده اش فشار مضاعفی بر جوانان پسر و دختر است. در جامعه ای که دولت و دادگاه و پلیس و اسلام و شریعت و پاسبان و مأمورش کنترلچی زندگی خصوصی مردم و رابطه آنها با همیگر هستند، علاوه بر مسخرگی این عمل بسیار ضد انسانی، جرم و اعمال جنایتکارانه است و قربانیانش میلیونها جوانند که چنین سرنوشتی به آنها تحمیل شده است. جوانان حق دارند علیه این سنت و فرهنگ و اخلاقیات پوسیده و ضد انسانی در جامعه و خانواده و رژیم پاسدار آن طغیان و شورش کنند و بپاخیزند و این کاری است که مدتهاست شروع شده است.

**یک دنیای بهتر،
برنامه حزب
کمونیست
کارگری، اثر
منصور حکمت
را بخوانید**

خودکشی راه علاج نیست ♦♦♦ (از صفحه اول)

به چاپ رسیده است استان کردستان مطابق آمار و تحقیقاتی که شده در رده سوم قرار دارد. اما سوال اساسی این است که چه عواملی این زنان را وادار می کند که به قتل نفس خود روی آورند؟ چرا وقتی این زنان به خودسوزی و خودکشی دست میزنند در صورتی که شانس برای نجات پیدا کنند از اقرار به اینکه چرا به چنین عملی دست زده اند پرهیز میکنند؟ راه نجات این زنان چیست؟ رژیم اسلامی از بدو روی کار آمدنش ابقا کننده و عامل اصلی فرهنگ مردسالارانه و زن ستیز بوده است. بی حقوقی و تحقیر زنان، از سرتاپای قوانین این نظام می بارد. "زن" در تعابیر قرآنی و اسلامی و در مکتب "آئمه اطهار" انسان نیست، باید تحت قیمومیت باشد، حق کسب استقلال اقتصادی را ندارد، حق داشتن مسکن مستقل را ندارد، بخاطر زن بودن فی نفسه طبق احکام شرع اسلام منشا "فساد" است، باید همیشه مراقب بود که مستقل از وضعیت آب و هوا، از نامحرم (یعنی کل جامعه بجز مرد مالک او) پوشیده بماند، شمشیر اسلام و رعب و وحشت قمه بدستان لشکر امام زمان همواره بالای سرش باشند تا دست از پا خطا نکند. اراده ای حتی برای انتخاب همسر خود ندارد، باید همواره سرزیر و تحقیر شده منتظر بماند تا مرد مسلمان و پولداری مستقل از اینکه چند همسر دیگر دارد و یا چندین سال اختلاف سنی دارد، "گفالت" اسلامی او را با تبختر و فخر فروشی و منت گزاری بپذیرد. "زن" مسئول خانواده است، آشپز است، رخت شو است، بچه را تر و خشک میکند و برای این بردگی مادام العمر خدا "بهشت" را بعد از زجر کشیدنش در دوران "زندگی" در دنیای قیامت بعد از مرگ برایش ذخیره کرده است، اما همین انسان

حق طلاق ندارد، اگر هم با هزار بدبختی طلاق گرفت حق سرپرستی فرزندان دلبنده را اتوماتیک طبق شرع انور به مالک او که اسم همسر را یدک میکند، واگذار میکنند. زن و دختر در حکومت اسلام و تحت قوانین اسلام و شرع، "ناموس" مردان است، عشق و رابطه برابر جنسی کفر است و زنا، تفریح و گردش و سیاحت و سفر به تنهایی "آبروی" سالوسانه و ریاکارانه خانواده و مهمتر از همه مردان و بویژه مردان متمول و حاج آقا بازاربهای "محترم" را که همان شرع کثیف چند همسری و چندین صیغه را بر آنها مباح کرده است، لکه دار میکند. تخطی از این مرزهای پوشیده پشت این دیوار سهمگین در پس سیم خاردارهای شکنجه آور و نامرئی، عقوبت دارد: بی پناهی، سرگردانی، عدم احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی و انبوهی از بار سنگین "گناه" زن بودن در رژیم اسلامی. اما در آن سو، در شرایطی که زنان و دختران در معرض این خشونت‌های سازمانیافته و مورد حمایت رسمی هستند، هیچ قانونی برای حمایت از آنها وجود ندارد، در همین گزارش دختر ۱۵ ساله ای که دست به خودسوزی زده باست گفته است که او مرتباً از طرف همسرش مورد کتک کاری و آزار قرار گرفته و تنها حمایتی که در جامعه وجود داشته همان بازگشت به نزد خانه پدری بود که در اینجا هم بدلیل گوناگون اقتصادی و فرهنگ عقب مانده در جامعه از طرف خانواده هم مرتباً مورد سرزنش قرار گرفته تا به این شرایط تن دهد. در چنین شرایط اسارت‌بار و خفقان آوری، اکثر این زنان راه چاره ای جز اقدام به خودکشی از راه خودسوزی نمی یابند. فشار قوانین اسلامی و مردسالارانه بحدی است که حتی مواردی زنانه هم که امکان نجاتی

پیدا میکنند از اقرار به دلایل اقدامشان به خودسوزی خوداری میکنند و داستان نفت ریختن در چراغهای گرم را تکرار میکنند. باید به این پدیده پایان داد! راه نجات از این فجایع از بین بردن و نابودی عامل اصلی بقا و سازمان آن یعنی جمهوری اسلامی با تمام احکام الهی و قرآنی و تمام رسوم زن ستیزانه و مردسالار آن است. زنان و مردان برابری طلب در ضمن باید در تقبیح این فرهنگ در میان مردم بکوشند باید تلاش نمود ضمن توضیح اینکه راه نجات از چنین مصائبی در جامعه را خودسوزی و خودکشی ندانست باید این زنان مورد بیشترین حمایتها از طرف مردم قرار گیرند. باید قربانیان این فجایع که امروز روزانه در گوشه این و آن بیمارستان گم و به فراموشی سپرده می شوند، را در صدر اخبار و مسائل جامعه قرار داده و در مورد عوامل بقا این شرایط بحث نمود. باید تلاش نمود سازمانها و انجمنهای حمایت از این زنان را تشکیل داد در مورد ازدواجهای اجباری و ازدواج دختران کم سن و سال چون عواملی برای ایجاد چنین شرایطی بحث نمود. باید به فرهنگ عقب مانده ای که زنانه را که به دلایل مختلف مشکلات خانوادگی زندگی را ترک میکنند را مورد حمایت قرار داد و طبیعی دانست و به فرهنگی که آنها را مجبور به تن دادن به چنین زندگی میکند مقابله نمود. باید به این زنان و دختران فهماند و قبولاند که راه نجات از دست چنین مصائبی خودکشی و خودسوزی نیست. تداوم رژیم کثیف اسلامی ابعاد این فاجعه را وحشتناکتر میکند. به سلطه رژیم اسلامی، رژیم مشتبی دارو دسته طفیلی اسلامی باید پایان داد و راه امید به زندگی و یافتن اعتماد به برابری و آزادی را جست. بجای خودکشی و خودسوزی، حکام رژیم قتل نفس و رژیم نسل کشی و تحمیل فلاکت و فقر را باید بریز کشید. ■

اطلاعیه مطبوعاتی**پلنوم پنجم کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست برگزار میشود!**

کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست در مرداد ماه ۱۳۸۳ برابر با اوت ۲۰۰۴ پلنوم پنجم خود را با حضور اعضا، مشاورین و میهمانان دعوت شده به این پلنوم برگزار خواهد کرد.

از همه شما اعضا، فعالین و دوستداران سازمان جوانان کمونیست در ایران و خارج کشور دعوت میکنیم تا مسائل ویا نکاتی را که به نظرتان این پلنوم باید به بحث و بررسی در رابطه با آنها بپردازد را، تا تاریخ اول مرداد ماه برابر با ۲۲ جولای به دست ما برسانید. نامها و نظرات شما در اختیار شرکت کنندگان در پلنوم قرار خواهند گرفت.

کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست
۳۰ خرداد ۱۳۸۳ - ۱۹ جون ۲۰۰۴

اطلاعیه کمیته مه‌باد حزب کمونیست**کارگری ایران****ادامه اعتراضات مردم مه‌باد**

اذیت و آزار دانشجویان و دستگیری و کتک زدن مردم کار همیشه آنها بوده است. جمهوری اسلامی این مزدوران را به جان مردم انداخته است و در مقابل این وحشگریها در بهترین محلات شهر به آنها خانه و زمین داده است. اما دوره قلداری اینها

پناهنده شدند. دارد به پایان میرسد. حال که مردم آزادیخواه و برابری طلب تصمیم به سرنگونی جمهوری اسلامی گرفته اند، حال که مردم در سراسر ایران میخواهند به حکومت ارتجاعی اسلامی برای همیشه خاتمه بدهند، مردم مبارز مه‌باد هم حومه شرکت نمودند. این مزدوران در این دوران دست به جنایت‌های متعددی زدند. تیراندازی به طرف مردم، حمله به محلات شهر و

با سر کار آمدن جمهوری اسلامی عده ای از اربابان سابق منگور سلاح برداشته و به خدمت رژیم درآمدند. در آن هنگام بدلیل عدم حضور جمهوری اسلامی بلافاصله بعد از چند درگیری خلع سلاح شده ویا به ملاحسنی در ارومیه پناهنده شدند.

بعد از فرمان خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ دوباره این مزدوران سلاح برداشته و تا پایان جنگ ایران و عراق پیشاپیش نیروهای سرکویگر رژیم بر علیه نیروی مسلح احزاب سیاسی و در سرکوب مردم مبارز مه‌باد و حومه شرکت نمودند. این مزدوران در این دوران دست به جنایت‌های متعددی زدند. تیراندازی به طرف مردم، حمله به محلات شهر و

آثار منصور حکمت را بخوانید

بخشی از نوارهای ویدیوئی و اودیوئی منصور حکمت و نیز بسیاری از نوشته ها و مقالات و مصاحبه ها با او در سایت منصور حکمت در آدرس:

ww.m-hekmat.com

قابل دسترسی است

طفل فلج سناریوی سیاه (از صفحه اول)

بار دیگر رسانه های اجیر شده بکار گرفته شدند تا این نمایش را به نام دولت "عراقیان" و پایان اشغال و حاکمیت آمریکا جار بزنند. بوش با عجله در استانبول به جلسه سران ناتو اعلام کرد که "حکومت را به عراقیها سپردیم". برمر با شتاب بعد از تشریفات، عراق را ترک گفت. علاری قول "امنیت و کار" به مردم عراق داد. فرانسه و آلمان هنوز راضی نشده از سهم خود به فشار خود علیه دولت بوش جلسه ناتو را

خاتمه دادند.... خنده دار است که ماهیت خیمه شب بازی دولت جدید را هم نمیخواهند پنهان کنند. "دولت عراقیها" قرار است هیچ تصمیم دراز مدتی نگیرد. کنترل کماکان در حیظه آمریکا است. ۱۷۰ هزار نیروی متجاوز به کشتار و ترور و جنگ خود ادامه میدهند...

اینها اخباری است که تا چند روز دیگر هر ساعت خواهید شنید. چیز تازه ای نیست، همان جنس بنجل پروپاگند دروغین و حقه بازیهای

هیجده تیر

روز مرگ بر جمهوری اسلامی

روز آزادی و برابری

روز فریاد برای آزادی زندانیان سیاسی

روز "نه" به آپارتاید جنسی

روز اعتراض به محرومیت و فقر و بیکاری

روز اعتراض به خفقان، سرکوب، شکنجه و

اعدام

روز "نه" به حکومت مذهبی

حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعیه کمیته مهباد♦♦♦

این خواست مردم در مبارزات چند روز اخیر مهباد به صورت اعتراض یکپارچه و بستن بازار، و حمله به این عوامل رژیم خود را نشان داده است. تحت اعتراض متحدها و یکپارچه مردم، فرماندار مهباد اجبارا به اهالی مهباد گفته است، ما پیام شما مردم را به مقامات رسانده ایم و از این به بعد اینها حق ندارند در امور شهر و مردم دخالت نمایند. رژیم جمهوری اسلامی از ترس اعتراض مردم و جلوگیری از گسترش مبارزه آنها از شهر میانوداب نیروی گشتی به شهر مهباد گسیل داشته است. کمیته مهباد حزب کمونیست کارگری ایران خود را سهیم در مبارزات برحق مردم تا بیرون راندن این مزدوران از محیط کار و زندگی و از شهر مهباد میدانند. عقب

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و برابری

کمیته مهباد حزب

کمیته کارگری ایران

۹ تیر ۱۳۸۳ - (۲۹ جون ۲۰۰۴)

همیشگی، تا بخواهی در مورد مردم عراق و حقیقت در مورد امنیت و پیشرفت جامعه دروغ تولید میشود. اما باید دید که پشت کل این داستان چه واقعیاتی پنهان است. حقیقت آن است که مضحکه ای که بوش و بلر دولت مردم عراق مینامند. درست مانند بازی قبلی مجلس موقت حکم ربطی به مردم عراق ندارد.

اگر با کشتار و تخریب، با بمب، موشک، با لشکر، ویران کردن، تسخیر عراق ممکن شد، با ارباب و دروغ که نمیشود به این آسانی اذهان مردم متمدن جهان را تسخیر کرد. بلاخره چند ده هزار نفر انسان آزادیخواه در استانبول پیدا میشوند که علیرغم حملات وحشیانه پلیس و مافیا این "نمیشودها" را با قدرت به درون جلسات تحت حفاظت سران ناتو فرو کنند. معلوم است نمی توان رفت در سالنهای لوکس، پشت درهای بسته، روی چند مرتجع ساخت و سازشی صورت داد و آنرا حکومت مردم خواند. اما سوال این است که دلیل تعجیل برای به کرسی

نشاندن این "دولت" چیست؟ راستش هیچ دلیل استراتژیک و یا آینده نگری عجیبی که سران دولت آمریکا را وادار به این حرکت کرده باشد وجود ندارد. هیچگونه چرخش و "تعقل" سیاسی شگرفی پشت این قضیه نیست. جواب این سوال را با چند فاکتور سطحی میشود روشن کرد. جواب "چرای؟" این حرکت را (مانند هر حرکت دیگر) در متن سیاستهای پراگماتیستی و افسارگیختگی و خودسری بوش و یارانش باید جستجو کرد. برد دور این قضیه شاید به فروکش کردن و ساکت کردن جناح رقیب در انتخابات ریاست جمهوری برسد، وگرنه نامنی عراق و ترس از عملیتهای تروریستی اسلامیهها و امتیازگیری دول منطقه، آمریکا را ناچار کرد که دو روز قبل طفل معلول خود را سزارین کنند. کل چاره جویی در وحشت از این بود که دولتی که قرار است دولت مردم عراق باشد خود امنیت ندارد، امنیت اعلام روز تولد خود را ندارد معلوم نیست چگونه قرار است

از میان اطاعیه های کمیته کردستان حزب

تهیه و تنظیم از:

اسماعیل ویسی

اطلاعیه شماره ۸

کمیته سندج؛

در این اطلاعیه آمده است که: کارخانه نساجی شاهو تعطیل و کارگران بیکار شده اند! و در ادامه آمده است که: در اطلاعیه شماره ۳ کمیته سندج به تاریخ ۲۳ خرداد ماه به اطلاع رساندیم که کارخانه نساجی شاهو در آستانه تعطیل شدن است. کارفرما اکثر دستگاهها را خوابانده و حقوق کارگران مدتهاست به تعویق می افتد. اکنون این کارخانه بسته شده و ۶۰۰ کارگر بیکار شده اند. مدیران کارخانه نبود مواد اولیه را دلیل خواباندن ۳۰۰ دستگاه ریسندگی و بافندگی و تعطیلی کارخانه و بیکار کردن کارگران ذکر میکنند.

نساجی شاهو وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان است. این بنیاد مؤسسه عظیم اقتصادی است که از نظر مالی مشکلی برای راه اندازی و تامین مواد اولیه ندارد.

امنیت و آسایش برای شهروندان تامین کند؟! توضیح همزمانی این مراسم با جلسه سران ناتو هم تلاشی برای به صف کردن اروپا پشت سر این "سورپرایز" است. حکایت گردانندگان "نظم نوین" مانند داستان شعبده باز مفلوک است، که تردستیهایش را تماشاگرانش میخوانند با این تفاوت که تماشاگران این صحنه قربانیان خشمگین هستند!

کل داستان دولت جدید عراق هم جواب موقت به مسائل حل نشده ای است که ابعاد آن جهانی است. قدر مسلم آن است که با دولت ۳۰ ژوئن دور دیگر از کشمکشهای قومی و مذهبی، دور دیگر از ترور و خونریزی، دور دیگر از تباهی در انتظار جامعه ویران شده عراق است. مردم عراق و مردم متمدن جهان سرانجام باید برای دفاع از حق خود برای دخالت در سرنوشت جامعه خود، برای حق حیات و زندگی و آینده خود بطور جدی وارد میدان شوند.

۲۸ ژوئن ۲۰۰۴

دولت بردارند، باید به سر کار برگردند... هم اکنون در سندج کارگران خباز با سندیکایشان در حال مبارزه برای تقلیل ساعات کار و افزایش دستمزدند. کارگران نساجی کردستان هم خطر اخراج بطور مداوم تهدیدشان میکند و ۶۰۰ کارگر نساجی شاهو بیکار شده اند. حمایت این کارگران از همبگیر حیاتی و از نان روز واجب تر است. کارگران شاهو نباید تنها بمانند. اما قبل از هر چیز مقاومت و مبارزه خود کارگران شاهو اولویت دارد و فوریت. این کارگران میتوانند هر روزه در جلو کارخانه تجمع و تحصن کنند. مجامع عمومی شان را تشکیل دهند و نمایندگانشان را انتخاب کنند. این نماینده ها به همه کارخانه ها و مراکز کاری مراجع کنند و حمایت بخشهای دیگر کارگری را جلب کنند. این مبارزه و این حمایت میتواند و باید تا بازگشایی مجدد کارخانه نساجی شاهو و برگشتن همه کارگران به سر کار ادامه یابد.

زنده باد همستگی کارگری